

شهرنشینی و شهرسازی در دوره بیست ساله ۱۳۲۰-۱۳۰۰ ه. ش
(دوران حکومت رضاخان)

URBANIZATION AND URBAN CONSTRUCTION IN TWENTY
YEARS PERIOD (FROM 1300 To 1320 OF HIJRAT,SOLAR CALENDER)

By: Navid Saidi Rezvani

The establishment of Reza Khan's dictatorship in the years of 14 century of Hijrat (Solar calendar) was the beginning of a new era in the history of Iran's urbanization. By appropriating vast sections of the cities in northern Iran Reza Khan took action in founding modern cities with particular style based on a square around which all government office buildings were erected. The long cross-like streets is one of the characteristics of this era.

In this era the use of traditional methods of urban construction were completely ignored. Sometimes the old cultural monuments were damaged or were completely destroyed.

The government used all its authority and possibilities in shaping the structure of the city. Attempts were made that the city would become a symbol of the Shah's power and the people were practically put aside from participating in activities related to the urban development.

مقدمه

استقرار حکومت دیکتاتوری رضاخان در سالهای آغازین قرن ۱۴ هجری شمسی سرآغاز عصری جدید در تاریخ ایران است. این عصر که با عناوین مختلفی چون «دوران تجددطلبی توأم با شیفتگی»، عصر «سلطه شبه مدرنیسم»، دوره «غرب ستایی» و مانند آن خوانده شده است، سرمنشأ کلیه تحولات اقتصادی اجتماعی قرن حاضر تلقی می شده و پیدایش غالب نهادهای نوین به این دوران بازمی گردد. شروع تحولات شهرسازی و شهرنشینی به مفهوم جدید آن نیز تا حد زیادی مربوط به این روزگار است. و آنچه اکنون در این عرصه شاهدیم

بی تردید متأثر از رویدادهای این دوران مهم تاریخ سرزمینمان می باشد. مطالعه تحولات شهر در این دوران، حلقه اتصال پژوهش درباره سیر تکامل شهر در ایران به شمار می آید در چنین دورانی است که به سرعت تلاش می شود تا جامعه سنت از تن شهرها به درآمد و لباس تجدد براندام آنها پوشانیده شود. بنابراین برای آنکه بدانیم وضع موجود ما حاصل چه عوامل تاریخی می باشد، لازم است تغییرات و دگرگونیهای این عهد را بشناسیم. یقیناً این شناخت کلید فهم آینده است لذا اهتمام بدان بس ضروری و بایسته است. اقتصاد ایران قبل از روی کار آمدن رضاخان بر تولید زراعی استوار بود، روستاها بخش اعظم جمعیت را در خود جای داده و شهرها نیز مرکز تجارت و مقر سیاسی حکومت بودند. پیشه وران و صاحبان صنایع دستی نیز غالباً در شهر می زیستند اما نقش تولیدی آنان در مقایسه با تولید بخش کشاورزی که ۸۰٪ از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می داد اندک می نمود^۱.

شهرها در آغاز دوره بیست ساله تنها ۲۸٪ از جمعیت کشور را دربر می گرفتند. با این وجود تقریباً تمامی اقدامات و تحولات دوره رضاشاه در شهرها روی داد. در پایان این دوران نسبت جمعیت شهرنشین تنها ۱/۴٪ افزایش یافت و به ۲۹/۴٪ رسید^۲.

مهمترین نقش اقتصادی شهر در این دوران، نقش تجاری آن بود. تمرکز و مبادله مازاد اقتصاد کشاورزی روستا وظیفه ای بود که تجار شهری آن را به انجام می رساندند. در عین حال نقش تجارت خارجی در شهر روزافزون بود بنابراین تجار شهری از یک طرف با روستا ارتباط داشتند و محصولات آنان را برای مصرف داخلی خریداری می کردند و از طرف دیگر محصولات تجاری مانند پنبه، تریاک، تنباکو و خشکبار را به خارج صادر می کردند. البته قبل از این دوره نیز شهرها چنین نقشی را برعهده داشتند اما در این دوران گسترش راههای مواصلاتی بین شهرها، استفاده از وسائل نقلیه موتوری، ایجاد راه آهن و بهبود راههای داخل شهرها باعث یکپارچگی بازار شهری و افزایش قدرت آن شد^۳.

اما براستی چرا دستگاه رضاخانی باید توجه خویش را به شهرها که تنها ۲۸٪ جمعیت را دربر داشتند معطوف سازد؟ چرا روستاها که اکثریت مردم را در خود جای داده بودند مورد بی توجهی واقع شدند؟ آیا الگوی پیشرفتی که در ذهن صاحبان حکومت بود چنین امری

۱- حسامیان، فرخ و دیگران. شهرنشینی در ایران، نشر آگام-تهران ۱۳۶۳-ص ۳۷

۲- همان-ص ۴۳.

۳- رک: کاتوزیان، محمد علی (همایون). اقتصاد سیاسی ایران-جلد اول-انتشارات پایروس-تهران-۱۳۶۶- فصل ۶.

را ایجاب می‌کرد یا این که دلیل دیگری باعث توجه به نوسازی شهرها شده بود؟ برای یافتن پاسخ این سؤال قبل از هر چیز باید اندیشه حاکم بر زمان را بشناسیم. رضاخان که در ابتدای سلطنت خود را فردی طرفدار سنت نشان می‌داد و گاهی به همین منظور در مراسم عزاداری سنتی نیز شرکت می‌کرد پس از چندی نیت تجدید طلبانه خویش را آشکار کرد و با همفکری و همدستی برخی از سیاستمداران، نویسندگان، منتقدین و ثروتمندان و نیز به مدد قدرت دستگاه متمرکز اداری و با پشتیبانی کامل ارتش درصدد برآمد تا تغییرات فراوانی را که به نظری برای پیشرفت و مدرن کردن جامعه لازم بود، به اجرا درآورد.

هدف نهایی از این تغییرات چیزی نبود جز حذف سنتهایی که به نظر کهنه و پوسیده می‌آمدند و جایگزینی آنها با الگوهایی که بی هیچ تغییری از غرب وارد می‌شد. الگوهایی که مدرن، حیات بخش و غیر قابل انعطاف تلقی می‌شدند. بنابراین مهمترین علت توجه به شهرها این بود که مدرن نمایی بدون اصلاح چهره آنها غیر ممکن پنداشته می‌شد. از طرف دیگر «گسترش و یکپارچه کردن بازار شهری» نیز از دلایل توجه گروه حاکم به شهرها، محسوب می‌شد. اصلاح و گسترش راهها، تعریض معابر، جراحیهای کالبدی شهر و... سبب یکپارچگی و هماهنگی بازار و تسهیل گردش کالا و سرمایه در این بازار که مهمترین کارکردش انتقال مازاد اقتصادی مناطق روستایی به خارج و وارد کردن مصنوعات خارجی بود، گردید. بعلاوه تغییر کالبدی بازار زمینه را برای نمایش بهتر و جذابتر اجناس خارجی آماده می‌کرد زیرا کالبد جدید متاع جدید و رفتار مصرفی نوین را می‌طلبد.

بنابراین می‌توان نیاز دستگاه حاکم به تجلی کالبدی مقاصد تجدید طلبانه و زمینه سازی برای ادغام کامل اقتصاد ملی ایران در اقتصاد جهانی را مهمترین دلایل توجه به شهرها در این دوره سرنوشت ساز حیات شهر ایرانی، دانست.

قوانین شهری و شهرسازی

اولین گام در راه نوسازی شهرها تغییر نظام اداری و به عبارت دقیقتر ایجاد نظام اداری متناسب با دیگر نهادها و مؤسسات نوین و نیز تدوین قوانین مختلف نظیر قوانین مربوط به ثبت املاک، شهرداریها و مسائل مربوط به تعریض معابر، ناشی از نوسازیها، بود.

«در سال ۱۳۰۹ قانون شهرداری جدید به تصویب رسید این قانون که از مصوبات دوره هفتم قانونگذاری مجلس شورای ملی است در یک ماده و ۲ تبصره در اردیبهشت

۱۳۰۹ به تصویب رسید و براساس آن نظامنامه بلدیہ در ششم خردادماه، همانسال در کمیسیون داخله مجلس شورا مورد تصویب قرار گرفت که قسمت مهمی از اختیارات انجمن شهر را سلب نمود و حتی به موجب ماده ۲۳ و ۲۴ حق انتخاب شهردار و سایر اعضای شهرداری را در اختیار وزارت کشور (وزارت داخله) قرارداد. قانون جدید هر چند مشکلات بزرگی را به ویژه از لحاظ اعتبارات مالی ضروری برای اداره امور شهر حل کرد ولی مسئله اساسی که شهرسازی باشد همچنان لاینحل باقی ماند و مجوزی برای انجام عملیات عمرانی در املاک اشخاص در قانون مزبور پیش بینی نشد که همین امر موجب تصویب قانون معروف توسعه معابر در سال ۱۳۱۲ گردید. در قانون مزبور توجهی به مسئله شهرسازی و طرحریزی شهر نشده است و با آنکه به موجب قانون مصوب سال ۱۳۱۲ این نقیصه تا اندازه ای رفع گردید مع هذا به مسئله منطقه بندی توجهی گردید و نه به مسائل فنی مربوط به مسکن^۴

کاهش اختیارات انجمن شهر که در نخستین قانون بلدیہ که در ۱۲۸۶ ه. ش به تصویب اولین دوره مجلس شورای ملی رسیده بود، نشانگر علاقه اولیاء امور به تمرکز دستگاه دولتی، نشاندهنده عزم آنها مبنی بر استفاده از عامل زور و فشار در برنامه های آتی شهرسازی و بیانگر مخالفت آنان با مشارکت فکری و عملی مردم در جریان نوسازیها بود.

قانون احداث و توسعه معابر اولین قانون شهرسازی ایران محسوب می شود با تصویب این قانون فعالیت شهرداریها برای ایجاد و تعریض معابر تشدید شد زیرا برخی از مشکلاتی که به موجب فقدان چنین قانونی به وجود آمده بود، برطرف شد.

قانون دیگری که از اهمیت بسزائی برخوردار بود قانون ثبت املاک بود که در سال ۱۳۰۷ که مقارن با آغاز فعالیتهای وسیع شهرسازی است، به تصویب رسید. در سالهای پایانی این دوران، به علت تحولات اقتصادی اجتماعی که بعداً در مورد آنها سخن خواهیم گفت، برای اولین بار تأمین مسکن برای مردم شهرنشین با دشواریهایی مواجه گشت و به عنوان یک مسأله اجتماعی رخ نمود. این وضعیت سبب تصویب دو قانون تعدیل اجاره بها و تأسیس بانک رهنی^۵ در سال ۱۳۱۷ گردید که قانون اول مربوط به تثبیت اجاره بها و تعدیل

۴ - رشديه، سعدالدین- شهرسازی و طرح ریزی شهر در ایران- انتشارات اتحادیه شهرداریهای ایران- تهران- ۱۳۴۳-

ص ۱۶۱-۱۶۲.

۵ - راهنمای ایران، دایره جغرافیایی ستاد ارتش- ستاد ارتش- تهران- ۱۳۳۰- ص ۵۰.

۶ - شجیعی زهرا- وزارت و وزیران در ایران- جلد اول- مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی- تهران- ۱۳۵۵-

ص ۱۵۸.

روابط مالک و مستاجر و قانون دوم در ارتباط با تأمین مسکن بود.

نگاهی به تغییرات کالبدی شهرها

قبل از آنکه وارد بحث پیرامون تغییرات کالبدی به وجود آمده در این دوران شویم، لازم است یک سنخ‌شناسی ابتدائی ارائه کرده و مجتمعهای زیستی که در زمان رضاخان دستخوش تغییراتی گشتند را به شرح زیر به دو دسته تقسیم کنیم:

۱ - شهرهایی که از سابقه شهرنشینی طولانی برخوردار بودند مانند تهران، یزد، کاشان، مشهد و...

۲ - قریه‌هایی که شهر محسوب نمی‌شدند یا اگر عنوان شهر را نیز داشتند هنوز چهره روستایی خود را حفظ کرده بودند.

این مکانها سابقه شهرنشینی نداشته و عمده بعد از این تغییرات شروع به رشد کردند مانند رودسر، فریمان، چالوس، نوشهر و...

این سنخ‌بندی خواهد توانست ما را در درک بهتر تحولات کالبدی اجتماعی و اقتصادی شهرهای این دوران یاری دهد زیرا شکل و ماهیت تحولات در هر یک از این دو سنخ، قدری متفاوت از دیگری است.

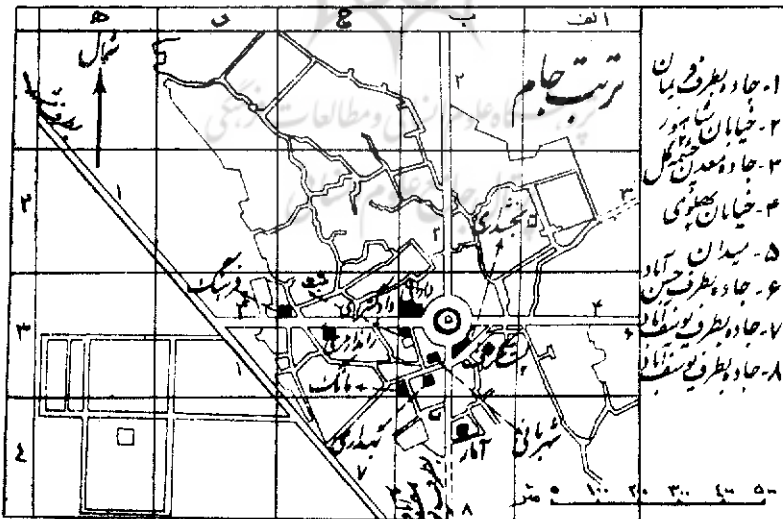
تغییرات کالبدی در سنخ اول

مهمترین تغییر کالبدی شهرها در این دوره پیدایش خیابانها و میدانی جدید و تعریض خیابانهای قدیمی بود. تحولی که اساسی‌ترین نقش را در دگرگونی سیمای شهر اجرا کرد. الگوی رایج خیابان‌کشی در این دوران ایجاد خیابانهای عمود بر هم است. این خیابانهای چلیپائی شکل، غالباً با بریدن بافتهای ارگانیک ابتدا و انتهای شهر را به یکدیگر پیوند می‌زد. این دو خیابان یا بر روی دیوار و خندق قدیمی شهر بنا می‌شد و یا اینکه حاصل تعریض گذرهای قدیمی بود. در برخی نقاط این خیابانها بازار شهر یا میدان سبک اصفهان را قطع می‌کرد. در تهران در سال ۱۳۱۱ با تخریب برج و باروی هشت ضلعی و دروازه‌های شهر، خیابانهای مستقیم شمالی- جنوبی و شرقی- غربی احداث شد. دو خیابان عمده که در این زمان در مرکز تهران به وجود آمد خیابانهای خیام (خلیل‌آباد) و خیابان عنود بر آن بوذرجمهری (مصطفی خمینی) بود. چهار خیابان دیگر یعنی خیابانهای شاهرضا (انقلاب)

این طرح و سایر طرحهای شهرسازی آن دوران برخلاف طرحهای جامع امروزی که به ابعاد اقتصادی اجتماعی و کالبدی توأماً توجه دارد، تنها بعد کالبدی را مورد توجه قرار می داد. در سبزواری دو خیابان عمود برهم خیابانهای بیهق و اسرار بودند که بر روی دو بازار قدیمی عمود برهم که به چهار دروازه شهر ختم می شد احداث گردیدند. در کاشان خیابانهای پهلوی سابق و صبا دو محور صلیب یاد شده بودند. در مشهد خیابانهای پائین خیابان و بالا خیابان یک محور و خیابانهای تهران و طبرسی محور دیگر را تشکیل می دادند در سنندج و تربت جام نیز خیابانهای شاهپور سابق و پهلوی سابق عمود بر یکدیگر کشیده شدند (نقشه شماره ۲)

در شیراز خیابان مستقیم مزبور بازار را کاملاً قطع و آن را به دو قسمت تقسیم کرد. در یزد نیز خیابان شاه (قیام) که در این زمان احداث شد، میدانهای شاه طهماسب و امیر چخماق را قطع کرد.

در شهر سلماس که پس از زلزله ۱۳۰۹ عملاً از نو بنا شد این شبکه بندی عمود برهم کامل است و نقشه شهر کاملاً منظم و شطرنجی است. این خیابانهای عمود برهم قطعات مربع یا مستطیل شکلی را با ابعاد ۱۰۰ × ۱۵۰ یا ۱۰۰ × ۱۰۰ به وجود آوردند. در مرکز شهر

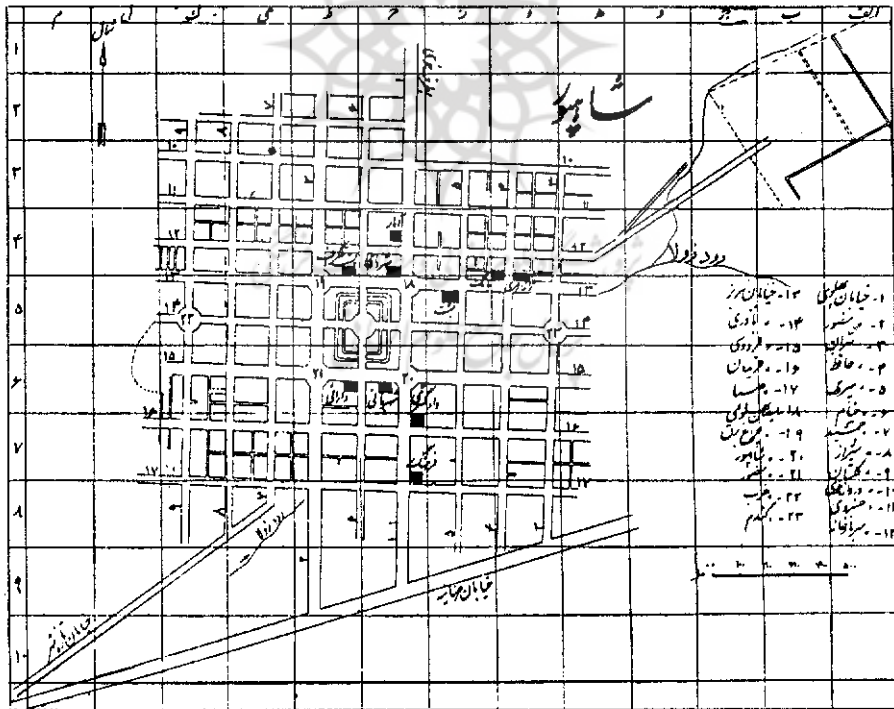


نقشه شماره ۲- تربت جام- قرار دادن گونیا بر روی نقشه شهر و رسم دو محور عمود بدون هیچ توجهی به بافت گذشته شهر (دهه ۱۳۲۰)

یک میدان ایجاد شد و چهار میدان نیز در چهار گوشه شهر در منتهی الیه آخرین بلوک شهر قرار داده شد. (نقشه شماره ۳)

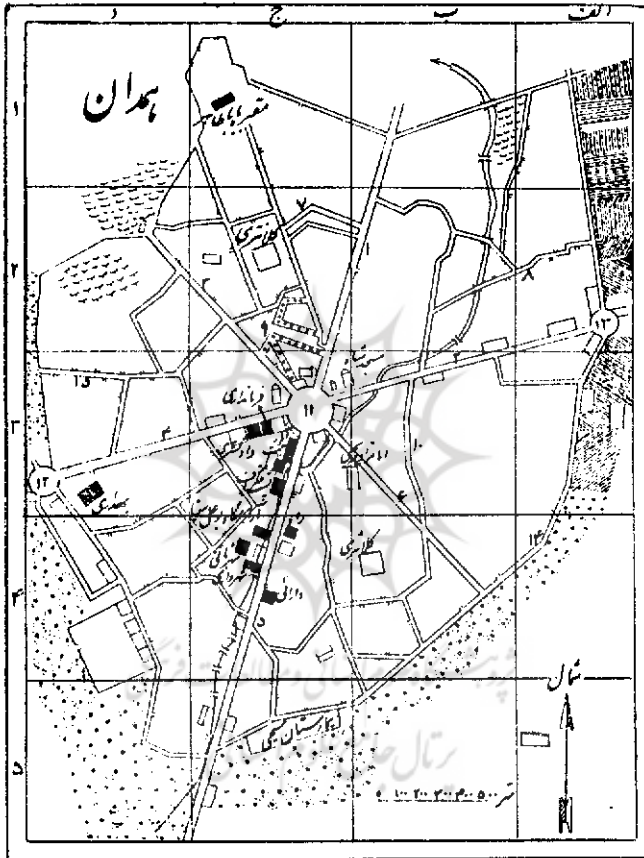
در همین زمان کویهای کارمندان دولت و کارگران کارخانه‌ها در مجاورت شهرها توسعه یافت، الگوی شطرنجی در این شهرکها نیز سایه افکن بود از جمله می توان به کوی کارگران کارخانه قند آبکوه در مشهد اشاره کرد که توسط لهستانیها با نقشه شطرنجی و با استفاده از خیابانهای نسبتاً عریض و قطعه‌بندیهای وسیع ساخته شد. منازل در وسط این قطعات احداث و به وسیله فضای سبز احاطه می شد.

اما شهر همدان از حیث شبکه‌بندی معابر یک استثناء است زیرا براساس طرحی که توسط مهندس آلمانی، کارل فریش در سال ۱۳۰۷ برای این شهر تهیه و بین سالهای ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۷ اجرا گردید، شبکه‌بندی معابر کاملاً شعاعی است. در این طرح، میدان امام خمینی (پهلوی سابق) با شعاع ۸۰ متر و مساحت بیش از دو هکتار در مرکز قرار گرفت و ۶



نقشه شماره ۳- سلماس (شاهپور)- ساخت شطرنجی (دهه ۱۳۲۰)

خیابان به عرض حدود ۳۰ متر با فواصل مساوی از آن جدا شدند این ۶ خیابان با شکل ستاره‌ای خود تمامی ارتباطات اصلی را به صورت شعاعی و حلقوی به مرکز میدان و حوالی آن معطوف می‌داشتند. (نقشه شماره ۴)



- ۱- خیابان کبابان ۴- خیابان داروش ۷- کوچه گنبدیسا ۱۰- کوچه صلیبی ۱۳- میدان شاهپور
- ۲- خیابان شاهپور ۵- خیابان پهلوی ۸- کوچه شیرینی ۱۱- میدان پهلوی ۱۴- جاده شوش
- ۳- خیابان پهلوی ۶- خیابان جدید ۹- بازار ۱۲- میدان داروش ۱۵- کوچه شمس‌آشای

نقشه شماره ۴- همدان- ساخت شعاعی (دهه ۱۳۲۰)

توضیح: نقشه‌های شماره ۲ تا ۴ از کتاب راهنمای ایران که توسط ستاد ارتش در سال ۱۳۳۰ منتشر گردیده اخذ شده است. تاریخ نقشه‌برداری اواخر دهه ۱۳۲۰ است. و با توجه به اینکه بین سالهای ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ فعالیت شهرسازی مهمی صورت نگرفته است، نقشه شهر نسبت به دهه پیشین (۱۳۱۰-۱۳۲۰) تغییری نکرده است.

شهرآبادان نیز با ساخت مستعمراتیش که بر پایه جدایی مهندسان و متخصصین خارجی صنعت نفت از مردم عادی است استثناء دیگری به شمار می رود.

پیامدهای تغییرات کالبدی: چنین خیابان کشیایی اگرچه عبور و مرور وسائط نقلیه موتوری را تسهیل می نمود و از این رو احداث آنها نوعی ضرورت محسوب می شد اما یک مشخصه مهم داشت که بس ویرانگر بود. این ویژگی بی توجهی به بافت ارگانیک شهر قدیم و آثار ارزشمند تاریخی مذهبی مستتر در آن بود. خیابانها کاملاً مستقیم کشیده می شده و کمتر تلاشی برای هماهنگی آنها با ترکیب معابر گذشته، به عمل می آمد، نتیجه این عمل چیزی نبود جز بریده شدن بافت قدیم از بین رفتن فضاهاى شهری زیبا و دلنشین آن، نابود شدن آثار تاریخی و مذهبی که در سطح ملی و حتی بین المللی مطرح بود، و بالمال فرسودگی و نابودی منطقه تاریخی میراث دار ارزشهای سنتی و فرهنگی شهر.

در تهران دروازه های قدیم شهر و همچنین برخی از اماکن مذهبی از جمله بخشی از بقعه تاریخی سید نصرالدین از بین رفت مخبر السلطنه هدایت از نخست وزیران این دوره دلیل انجام چنین کاری را ادامه مستقیم خیابان می داند: «در خرابی سید نصرالدین استقامت خیابان دلیل بود و آن دلیل علیل بر خرابی دروازه ها، بعضی اروپایان افسوس خوردند آثاری بود از طرز معماری و خوش تناسب افتاده بود.»^۷

در سبزواری نیز بخشهایی از مدرسه فخریه مربوط به عهد دیلمیان و مدارس شریعتمدار و فصیحیه ویران شد و دروازه ها و شاه دیوار کلاً از بین رفت. در شیراز قسمتی از بازار تاریخی وکیل از بین رفت و در یزد بخشی از میادین با ارزش امیر چخماق و شاه طهماسب که در زمره زیباترین فضاهاى شهری ایران بودند، نابود شد. و در رشت بقعه امامزاده جعفر که از جمله آثار باستانی به شمار می آمد به ویرانی کشیده شد.

یکی دیگر از اقدامات متولیان وقت جدا کردن اماکن مذهبی از بافت شهر با ایجاد دسترسهای مدور بود. مساجد و اماکن مذهبی که پیش از این آرام و دلنشین در میان بافت قرار گرفته بودند و با استادی تمام رهگذر را به درون خویش دعوت می کردند و در حقیقت نوعی فضای شهری به شمار می آمدند که در مسیر رفت و آمد مردم قرار داشتند بدین وسیله به یک یادمان که در وسط میدان قرار داده شده بود تبدیل شدند. البته بروز چنین رویدادی به

۷ - هدایت مخبر السلطنه مهدیقلی - خاطرات و خطرات - زوار - تهران - ۱۳۴۴ - ص ۴۱۰.

اهمیت و عظمت مکان مذهبی نیز بستگی داشت به عنوان مثال حرم حضرت رضا (ع) که از قدرت و عظمت فراوانی برخوردار بود اگرچه از صورت یک فضای شهری که دسترسی به نقاط دیگر را تسهیل می‌کرد خارج شد اما همچنان مورد توجه زیاد بوده و می‌باشد. اما در همین شهر مشهد مکان دیگری نیز وجود دارد که در حقیقت قربانی چنین فرایندی گردید. این مکان مدفن شیخ محمد مؤمن، عارف استرآبادی (وفات ۹۰۴ ه. ق) موسوم به گنبدسبز می‌باشد. ایجاد میدان پیرامون این محل کارکردهای مذهبی و فرهنگی آن را از بین برده است و آنرا به یک بنای یادبود تبدیل کرده است.

این اشتباهات را نمی‌توان تنها ناشی از سوء نیت طراحان آن دانست بلکه عدم شناخت صحیح آنها از اصول حاکم بر فضاهای شهری ایران سهم بیشتری در حدوث چنین رخدادهایی داشت. برخی از اقدامات شهرسازی این طراحان که غالباً اروپائی بودند از امتیازاتی برخوردار بود اما عدم تلفیق این اقدامات با تدابیر لازم برای حفظ و احیای بافت قدیم و تقابل ستیزه‌جویانه سنت و شبه مدرنیسم، سبب فراموشی درسهای تاریخی شهرسازی و معماری ایرانی و از بین رفتن نظام شهری محله‌ای گذشته به بهای به وجود آمدن چند بولوار عریض و چند عمارت زیبا شد.

تغییرات کالبدی در سنخ دوم

علت تفاوت نسبی تغییرات کالبدی سنخ دوم به جغرافیای تاریخی این شهرها باز می‌گردد. این سکونتگاهها که عمده در شمال کشور واقع شده‌اند به دلیل شرایط خاص جغرافیایی و تاریخی سابقه شهرنشینی طولانی نداشتند و از اینرو از نظام شهرنشینی منسجمی برخوردار نبودند. رضاخان به علت آنکه غالب این سرزمینها را به تملک خود درآورده بود توجه خاصی به نوسازی این مناطق نشان می‌داد، نوسازیهایی که به قصد تبدیل این مناطق به نقاط شهری انجام می‌گرفت. شهرهای چالوس، نوشهر، رودسر، رامسر، قائم‌شهر، فریمان و بسیاری دیگر از شهرهای شمال و شمال شرقی کشور نوشهرهایی بودند که بر پایه تکوین یک هسته موجود روستایی به وجود آمدند و بافت شهر جدید کم کم هسته روستایی را از رونق انداخت و آنرا در خود حل کرد^۸.

۸- معصومی اشکوری، سید حسین- بررسی و شناخت نمونه‌های موجود مراکز مسکونی وابسته به صنایع اصلی کشور-

مهمترین تغییر کالبدی این سکونتگاهها ایجاد یک هسته منظم با سهمی معین از کانونهای خدماتی بود. این کانون غالباً در محل تقاطع دو خیابان عمود برهم قرار می‌گرفت. اما به علت اینکه گسترش اغلب شهرهای شمال، خطی و در محور شرقی- غربی می‌باشد، خیابان شمالی- جنوبی عمود بر خیابان اول، کوتاهتر بود.

تحولات کالبدی در این شهرها مراحل چندی را در برداشت. اولین گام تملک آنها بوسیله شخص رضاخان و ضمیمه نمودن آنها به «املاک اختصاصی خود» بود، که از این پس اداره املاک اختصاصی مسؤلیت نوسازی شهر را بر عهده گرفت.

مرحله بعدی تخریب بافت قدیمی بود. در رودسرایین عمل با تخریب امامزاده‌ای که در محل فعلی شهرداری شهر قرار داشت، و همزمان انهدام بازاری که در جوار امامزاده و در هسته مرکزی شهر قرار داشت، آغاز شد.

در مرحله سوم نوسازیها بر اساس نقشه‌هایی که معمولاً توسط مهندسين خارجي، تهیه می‌شد آغاز شد به طوری‌که در رودسرایین محل بازار تخریب شده میدانی احداث شد و کانونهای اداری و خدماتی نظیر ادارات دارائی، شهربانی، شهرداری، فرهنگ و نیز تعدادی مغازه و همچنین بازار روز در اطراف میدان استقرار یافت و دو خیابان طولی به عرض ۱۲ متر و طول یک کیلومتر در جهت شرق به غرب و دومی با همان عرض و طول حدود ۲۰۰ متر در جهت شمال به جنوب احداث شد. این دو خیابان میدان را قطع می‌کردند و خیابان اول در انتها به میدان دیگری منتهی می‌شد.^۹

چهارمین مرحله توسعه کالبدی این سکونتگاهها، ایجاد تأسیسات شهری، کارخانجات و کارگاهها و احداث مساکن نوین بود. در این مرحله در شهر رودسرایین کارخانه شالی کوبی، توسط مهندسين آلمانی شرکت کروپ ساخته شد. ضمناً ۳۰۰ مغازه نیز ایجاد شد. اما تقاضای کافی برای این ۳۰۰ مغازه وجود نداشت. لذا عده‌ای از روستاییان رودسر، لنگرود و لاهیجان را وادار کردند که این مغازه‌ها را به مبلغ ۸۰ ریال اجاره کنند. در ساری نیز در محل کاروانسرای شاه ۲۰۰ الی ۳۰۰ مغازه احداث کردند و به اهالی پیشنهاد کردند که آنها را اجاره کنند و آنانی که امتناع می‌کردند تنبیه می‌شدند.^{۱۰}

در شهرهای دیگر نیز با توجه به نقشی که برای آنها پیش‌بینی شده بود تأسیساتی به

۹- اطلاعات مربوط به شهر رودسر توسط نگارنده از آقای ناصر درخشان رودسرایین اخذ شده است.

۱۰- مکی، حسین - تاریخ بیست ساله ایران. جلد ششم. نشر ناشر- تهران. ۱۳۶۲- ص ۸۵.

وجود می آمد. به عنوان مثال در شهرهای رامسر و بابلسر که با هدف ایجاد یک مرکز توریستی توسعه داده شده بودند هتلها و کازینوهایی احداث شد و در شهرهای نوشهر و انزلی که نقش بندری داشتند تأسیسات گمرکی و اسکله ایجاد شد.

از طرف دیگر این شهرها بدون داشتن جمعیت کافی نمی توانست رضایت خاطر بانیان را فراهم آورد زیرا در چنین وضعی علاوه بر این که تأسیسات جدید بلااستفاده می ماند، اهداف جاه طلبانه بانیان این حرکت نیز تحقق نمی یافت. بنابراین آخرین مرحله افزایش جمعیت شهر از طریق جذب روستائینان به این شهرها بود. از طرفی به دلایلی که ذکر آن در مبحث مربوط به رابطه شهر و روستا آمد روستاییان کمتر به مهاجرت تمایل داشتند. پس متولیان حکومت تصمیم گرفتند توسعه تحمیلی را با مهاجرت تحمیلی توأم سازند. این بود که دو خط مشی اتخاذ کردند:

۱ - عده ای از مالکین ثروتمند را به اجبار به شهر آوردند و با اعطای کمک مالی از طریق اداره املاک رضاشاهی آنان را وادار به احداث مساکنی در اطراف خیابانهای جدید کردند. هدف از آوردن این گروه، بهره گیری از توان مالی آنان در راستای رشد شهر و در حقیقت تبدیل اجباری فتودالهای بزرگ به سرمایه داران شهری بود.

۲ - تعدادی از زارعین و خوش نشینان نیز به همین طریق به شهر آورده شدند و در مساکنی با عنوان خانه روستایی سکنی داده شدند این عده نیز ظاهراً با هدف به وجود آوردن طبقه پرولتر شهری که باید کارگر مورد نیاز صنایع شهری را تأمین کند به شهرها کوچانده شدند.

طراحی شهری در دوره بیست ساله

طراحی شهری یکی از مهمترین اجزای سیستم شهرسازی به شمار می رود. فضای دلنشین شهرهای گذشته تا حد زیادی مرهون مهارت طراحی استادانی بود که اجزای مختلف فضاها و علی الخصوص بدنه های محصورکننده میادین و خیابانها را طراحی می کردند. خیابانهایی که در این دوره ۲۰ ساله در بافت قدیمی شهرها ایجاد شدند «هرچند بی رحمانه بخش قدیمی شهر، بازار و میدانهای آنرا از هم گسستند» اما یک درس برای ما

به جا گذاشتند و آن نحوه طراحی لبه خیابانها ملهم از بدنه محصورکننده میدانهای قدیمی بود.^{۱۱}»

از جمله خیابانها و میادینی که در این دوره بدنه آنها به طور کامل طراحی گردید می توان به میدان حسن آباد (تهران) میدان راه آهن (تهران) میدان فردوسی (تهران) میدان امام (پهلوی سابق) همدان و میادین شهرهای شمالی اشاره کرد. بدنه خیابان باغ ملی در تهران نیز از زیباترین بدنه سازیهای این دوران به شمار می رود سردر این خیابان معروف به سردر باغ ملی واجد ارزشهای بصری فراوان است (تصویر شماره ۱)



تصویر شماره ۱ - تهران - سردر باغ ملی

۱۱ - توسلی، محمود - اصول و روشهای طراحی شهری. جلد اول - وزارت مسکن و شهرسازی - تهران. چاپ دوم -

برای درک بهتر سبک طراحی شهری در این دوره، میدان شهر رودس را که در سال ۱۳۱۹ ساخته شده است مورد بررسی قرار می دهیم. همان طور که قبلاً آوردیم پیدایش این میدان حاصل تخریب هسته قدیمی رودس بود که شامل بازار حمامی قدیمی و امامزاده بود پس از تخریب هسته قدیمی، بدنه میدان به وسیله ساختمانهای دوطبقه که دویه دو متقارن بودند محصور گردید.

بدنه محصورکننده این میدان کاملاً طراحی شده است و نماها هماهنگ و درکل موزون، متناسب و جذاب می باشد. سبک معماری ساختمانها نیز از معماری بومی تبعیت نمی کند و بیشتر متأثر از معماری کلاسیک اروپاست.

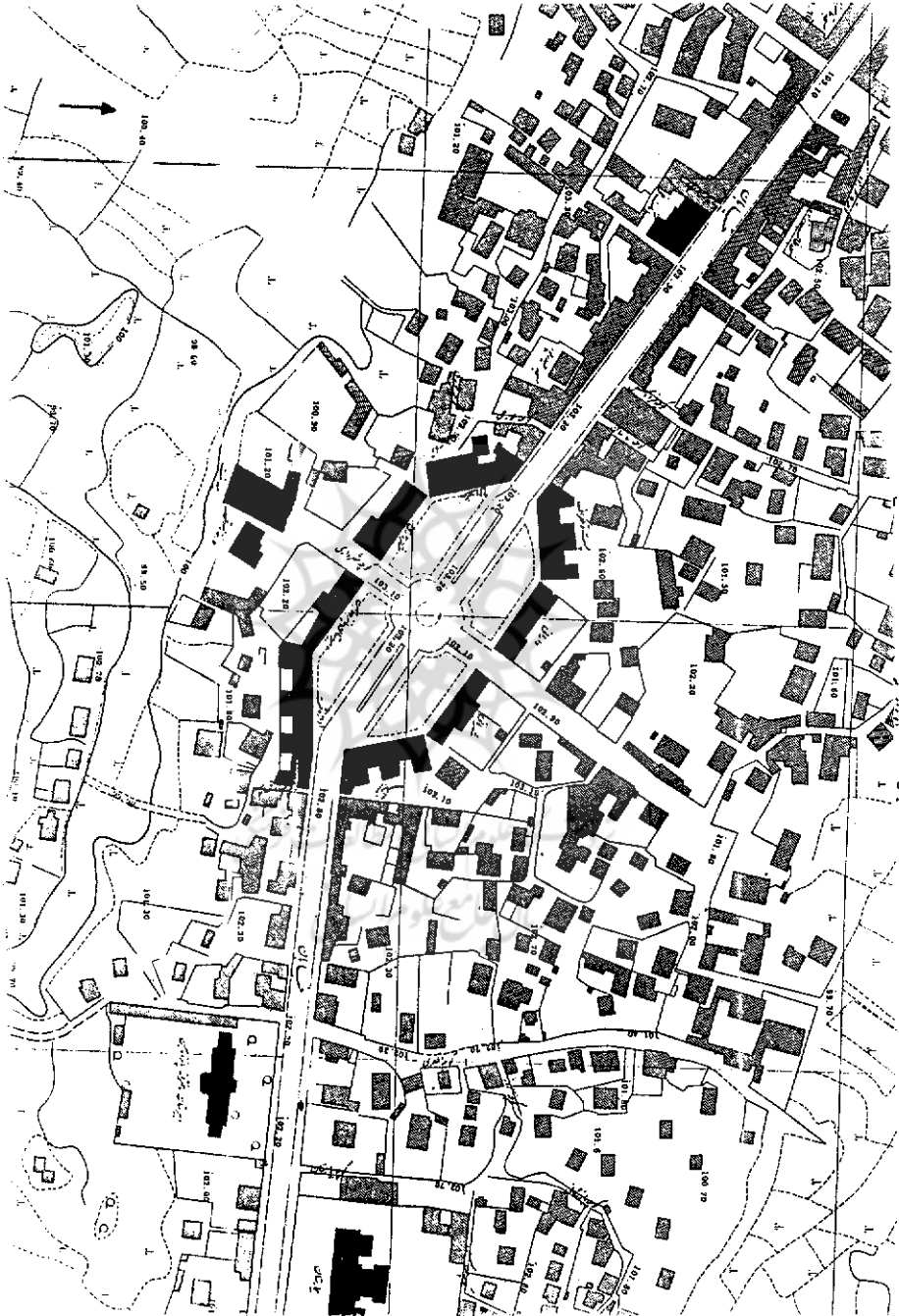
وسعت میدان در حدود $1/4$ هکتار، طول آن تقریباً ۱۷۵ متر و عرض آن در حدود ۸۰ متر است. بنابراین علاوه بر شکل و طرح میدان که جدا از فضاهای گذشته است مقیاس آن نیز نسبت به شهر در آن زمان، عظیم بوده است.

میدان دارای یک مرکز ثقل کالبدی است که بعداً در آن محل، مجسمه ای نصب گردید. ادارات فرهنگ، شهربانی، دارایی، ژاندارمری، ثبت، پست و تلگراف و شهرداری در اطراف میدان استقرار یافتند. تعدادی مغازه نیز در شرق و غرب میدان در طبقه اول ساختمانها تعبیه گردید.

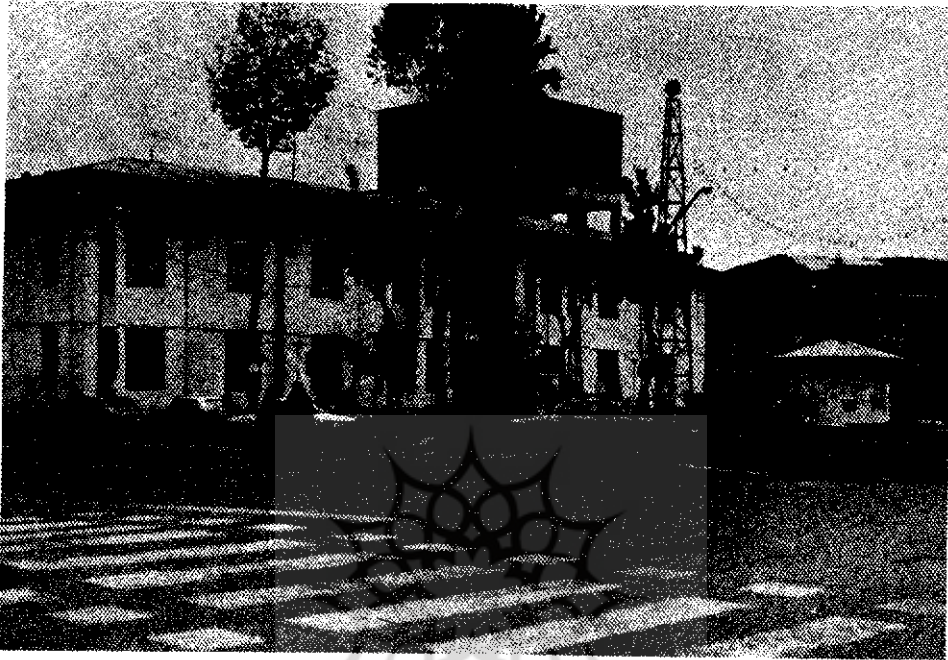
مکان بازار روز نیز در فضای بازی که در پشت شهربانی قرار داشت تعیین گردید. (این مکان در نقشه (۵) با کد ۱۰۳/۱۰ مشخص شده است) دسترسی پیاده به آن از طریق معبری که بین شهربانی و اداره فرهنگ وجود داشت، ممکن بود. علاوه بر این دو معبر دیگر برای عبور عابر پیاده در اضلاع شمال غربی و جنوب غربی تعبیه شده است.

این میدان علاوه بر آنکه کارکرد اداری و تجاری داشت یک مرکز فرهنگی و تفریحی نیز به حساب می آمد. فضای سبز داخل میدان مورد استفاده مردم قرار می گرفت. و در اعیاد و مناسبتها و در روزهای یکشنبه بازار، معرکه گیران در این محل بساط خویش را پهن می کردند، از طرفی کتابفروشیهای اطراف میدان اولین کانونهای فرهنگی شهر به شمار می آمدند.

بنابراین، میدان با داشتن مفاهیم زیباشناختی، بدنه مطلوب و ساختمانهایی که دارای ارزش معماری و عملکرد منطقی بودند یک فضای شهری زنده و دلنشین محسوب می شد چرا که به نیازهای اهل شهر بخوبی پاسخ می داد. (تصویر شماره ۲)



نقشه شماره ۵- میدان اصلی شهر رودسر ساخته شده در سال ۱۳۱۹ - تاریخ نقشه برداری مهر ۱۳۴۳ (نقشه از سازمان نقشه برداری کشور)



تصویر شماره ۲- میدان رودسر- ساختمان سفیدرنگ محل شهرداری بوده است.

اما این نکته مهم را نباید از نظر دور داشت که این طراحیها فقط و فقط در بیرونی ترین لایه انجام می‌گرفت، کناره خیابانهای عریض و میداین وسیع از نظر شکل ظاهری و نوع فعالیت نوعی شد اما این تجدّد حداکثر بیست متر عمق داشت و لایه‌های درونی را هیچ بهره‌ای از این نوسازی نبود. بافتهای قدیمی به حال خود رها شد و در نهایت فرسوده و نابود گردید و با از دست دادن کارکردهای گذشته اش مأمن مهاجرین تازه وارد شد. در شهرهای کوچکتر نیز اگرچه هجوم مهاجرین بافت قدیم را نابود نکرد اما نارسایی خدمات زیربنایی و فرسودگی روزبه روز گسترش بیشتری یافت. (تصویر شماره ۳)

یکی از نکات مثبت طراحی شهری در این دوره طراحی برخی پیاده‌روها بود. در هر طرف خیابان یک یا دو پیاده‌روی عریض که با ردیف درختان محصور می‌گردید، احداث شد. این گونه پیاده‌روها علاوه بر ایجاد فضایی زیبا و دلنشین، فضای ذخیره‌ای نیز برای تعریض احتمالی خیابان به شمار می‌آمدند. به عنوان مثال می‌توان به خیابان کوهسنگی



تصویر شماره ۳- رودسر- معبری که در عکس مشاهده می شود تنها ۱۵۰ تا ۲۰۰ متر با میدان شهر فاصله دارد. اما با وجود سابقه تاریخی زیاد به هیچ وجه مورد توجه قرار نگرفته، و در جریان نوسازیها به فراموشی سپرده شده است.

مشهد اشاره نمود که در حد فاصل استخر کوه سنگی و ضلع غربی بیمارستان جدید الاحداث شاهرضا (امام رضا) خارج از شهر احداث شد. عرض سواره رو این خیابان ۱۳/۳۰ متر می باشد و در هر سمت خیابان دو پیاده رو مجموعاً به عرض ۱۳/۶ متر دارد^{۱۲}.

نگاهی به مسکن و معماری در دوره بیست ساله

در این دوره برای اولین بار با منازلی مواجه می شویم که خصلت دیرینه خانه ایرانی یعنی درونگرایی را ندارند. در این خانه ها که معمولاً در کنار خیابانهای نوساخته احداث

۱۲- مؤتمن، علی- راهنما یا تاریخ آستان قدس رضوی- آستان قدس- مشهد- ۱۳۴۸.

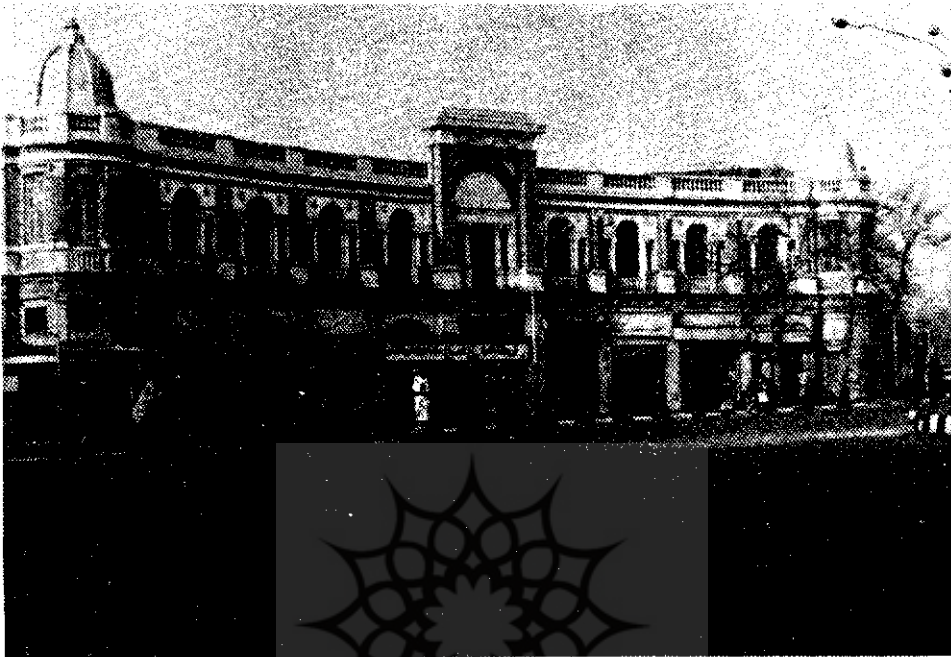


تصویر شماره ۴- تهران- بانک ملی ایران سبک ملی

می شدند به نماسازی توجه زیادی می شد. تصویر شماره (۴). خودبسندگی معماری ایرانی که با استفاده از مصالح بوم آور مشخص می شد نیز در این دوره مورد تهدید قرار گرفت و استفاده از مصالحی نظیر آجر و گچ گسترش بیشتری یافت، این امر باعث افزایش قیمت تمام شده مسکن می گردید. این عامل به همراه افزایش جمعیت شهرهای بزرگ که خود سبب افزایش نرخ زمین گردیده بود، موجب بروز مشکلاتی در تأمین مسکن و نیز گسترش اجاره نشینی و در مواردی حاشیه نشینی شد.

«چهار شکل معماری و یا شاید چهار سبک معماری در آمایش فضایی آن دوره قابل تمیز هستند:

- ۱- سبک بومی یا شیوه معماری نیمه دوم دوره قاجار، این شیوه عمدتاً از سوی طبقات متوسط جامعه در ساخت مسکن استفاده می شد.
- ۲- سبک اصطلاحاً «ملی» که به گونه ای مشخص بازگشتی به معماری ایرانی قبل یا بعد از اسلام است، نمونه های مشهور این شیوه را می توان در «شهربانی کل کشور» (بانک ملی) «موزه ایران باستان» و... دید. (تصویر شماره ۵)
- ۳- شیوه کلاسیک اروپائی (معماری قرن نوزدهم) که عمدتاً در فضاهای شهری



تصویر شماره ۵- تهران- میدان حسن آباد- سبک کلاسیک اروپایی

ساخته شده بوسیله شهرداری یا دولت رخساره می نماید: میدان فردوسی، حسن آباد از این موارد هستند. (تصویر شماره ۶)

۴- سبک نوین اروپا که مخصوصاً در عملکردهای جدید دولتی و شهری بکار گرفته می شود. دانشگاه تهران، ایستگاه راه آهن، ژاندارمری کل کشور، کاخ دادگستری... نمونه های بارز این شیوه هستند. ۱۳»

از آن جایی که تقریباً تمام نقشه های شهرسازی و کلیه طراحیهای شهری توسط مهندسين اروپایی تهیه می شد، شیوه های معماری اروپایی رواج فراوانی یافته بود که از جمله می توان به طراحی برخی از قصرهای سلطنتی به شیوه باروک و نیز استفاده از ستونهای یونانی در فضاهاى عمومی اشاره کرد.



تصویر شماره ۶۱ - تهران - خیابان قزوین - توجه به نماسازی. تحول از درونگرایی به برونگرایی

این دوران که می‌توانست سرآغازی برای تبادل آگاهانه فرهنگی در عرصه معماری و شهرسازی باشد، سوگمندانۀ سرمنشأ فروپاشی ارزشهای اصیل گردید. اگرچه معماری و شهرسازی خود این دوره هنوز درسهایی بسیاری برای ما دارد «قطر دیوارها، اندازه پنجره‌ها و میادید و رودی، نورگیری و تقسیم فضای داخلی درون خانه از یک تناسب نسبی برخوردار بود^{۱۴}». بدنه‌سازیهایی در میادین و خیابانها نیز چشم‌نواز و گیرا بود. اما شبه مدرنیسم بی‌حد و مرزی که در این دوران متولد گردید در دوره‌های بعد حاصلی جز هرج و مرج، بی‌نظمی و مخدوش ساختن چهره شهر، ارمغانی عرضه نداشت.

تجلی کالبدی استبداد در دوره بیست ساله

استبداد همواره سعی داشته است که قدرت خود را به نحوی در فضا متجلی سازد. این قدرت‌نمایی به صورتهای گوناگون از جمله در قالب قصرهای باشکوه، معابد عظیم، قلعه‌های حصین، راهوارها و مرکوبهای فاخر، متجلی شده است. در دوره بیست ساله نیز استبداد حاکم برای تجلی کالبدی به عناصر خاصی توجه داشت که مهمترین آنان عبارت بودند از کاخها، مجسمه‌ها، یادگانها و همچنین اسامی شهرها، خیابانها و میادین.

در بسیاری از شهرها از جمله تهران و تعدادی از شهرهای شمال کشور کاخهایی متعلق به رضاشاه وجود داشت. کاخهای وی در تهران از جمله کاخ مرمر و همچنین کاخهای قائم‌شهر (شاهی سابق) رودسر، نوشهر و آمل، گرگان و فریمان نمونه‌هایی از این جمله به شمار می‌روند.

معمولاً سعی می‌شد این کاخها در محلی قرار گیرد که بر شهر اشراف و تسلط داشته باشد. به عنوان نمونه در قائم‌شهر (شاهی سابق) کاخ بر فراز کوه بنا شده است به نحوی که در نگاه اول نظر هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند و همچنین است در رامسر در نقاط دیگر که امکان چنین کاری نبود ابعاد و ارتفاع کاخ چنان در نظر گرفته می‌شد که تسلط آن بر شهر از بین نرود. در رودسر کاخ رضاخان در سه طبقه و در محوطه‌ای که حدود ۲ هکتار را شامل می‌شد بنا گردید و تزئینات و گچ‌بریهای آن توسط هنرمندان همدانی و اصفهانی انجام شد. این عمارت هنوز هم بزرگترین ساختمان این شهر محسوب می‌شود. در تهران به

۱۴ - رهنمایی، محمدتقی - روند مطالعات شهری - فصلنامه تحقیقات جغرافیایی - سال ۶۷ - شماره ۱۱ - ص ۸۸ - ۸۷.

علت وسعت زیاد، چنین امری ممکن نبود بنابراین طریق دیگری اتخاذ شد؛ کاخ مرمر که در ۱۳۰۴ ساخته شد در اراضی موسوم به جلالیه که در آن زمان خارج شهر محسوب می شد، قرار گرفته بود. رضاخان تصمیم گرفت اراضی مجاور کاخ را که بعداً به محله کاخ (فلسطین فعلی) معروف شد به یک ارگ حکومتی نوین تبدیل کند پس تصمیم بر آن شد که عده ای از سران و نزدیکان حکومت، در این محل سکنی گزینند^{۱۵}. در اندک زمانی این محله به وجود آمد و در مراحل بعد ادارات، تأسیسات و پادگانهای ارتش نیز در پیرامون این محل گرد آمدند. نصب مجسمه نیز از دیگر اقدامات این دوره بود. تقریباً در اکثر میادین مهم مجسمه ای از رضاخان نصب می شد نصب مجسمه همراه با تشریفات و مراسم خاص بود و جزو وقایع مهم تلقی می شد. چنانکه نویسندگان و وقایع نویسان جزء مواد تاریخی به آن اشاره می کردند. در تهران طی سالهای ۱۳۱۶ تا ۱۳۱۸ در میادین مختلف از جمله میادین راه آهن بهارستان، سپه (امام خمینی) ۲۴ اسفند (انقلاب) مجسمه نصب شد.

در بعضی نقاط نصب مجسمه به عنوان نماد تسلط حکومت تلقی می شد مثلاً یکی از اولین مجسمه های نصب شده در کشور، مجسمه شهر خرمشهر (محمده آن زمان) در سال ۱۳۰۷ بود. دلیل سرعت در نصب مجسمه در این دیار با توجه به تعارضات قبلی این ناحیه با حکومت آشکار می گردد.

پادگان نیز نماد دیگری از قدرت حکومت بود. در این مورد می توان به شهر مریوان اشاره کرد. حکومت وقت بعد از سرکوبی عشایر مریوان و اورامان و انتقال سران آنها به تهران پادگان بسیار بزرگی در این منطقه احداث کرد. وسعت این پادگان به حدی بود که کالبد قبلی را کاملاً تحت تأثیر قرار داد و عملاً آنرا به شهرکی نظامی مبدل ساخت. تغییر نام شهرها نیز گاهی در هنگام ورود رضاخان به شهرها برای جلب نظری و استفاده از امکانات حکومت انجام می پذیرفت و گاهی نیز برای زدوده شدن سابقه ذهنی که از شهر وجود داشت و با برنامه قبلی انجام می گرفت. در مورد اول می توان از تبدیل شهر ارومیه به رضائیه نام برد و در مورد دوم می توان از تبدیل نام محمده به خرمشهر و مریوان به دژ شاهپور یاد کرد. اسامی تغییر یافته معمولاً کلمه شاه یا رضا که هر دو به شخص رضاخان اشاره داشت - یا شاهپور که به پسر ارشد رضاخان (محمد رضا) مرتبط می شد را در خود مستتر

داشت. از این جمله بود تبدیل قمشه به شهرضا، سلماس به شاهپور، خبیص به شهداد، بندرانزلی به بندر پهلوی و بندر ترکمن به بندر شاه.

برخی از تغییر نامها نیز ظاهراً در جهت تظاهر به تجدّد انجام می شد. چنانکه نام قبلی بابلسر که به مناسبت وجود سر امامزاده ابراهیم برادر امام رضا، مشهد سر بود، تغییر یافت. به قول مخبر السلطنه هدایت:

«آنچه به نظر می رسید همه نومی ها در تجدّد زمینه بود برای تصرف عقاید»^{۱۶}

نتیجه

۱ - مهمترین تحول ایجاد شده در این دوره به حرکت درآمدن بازار بود. بازار تاریخی که سالهای سال در آرامگاه خویش خفته بود در بستر جغرافیا به حرکت درآمد و خود را به کنار خیابانهای جدید کشانید. همراه و تا حدی در نتیجه حرکت بازار حرکتیهای دیگری نیز رُخ نمود. مهاجرت از مناطق قدیمی به محلات جدید و اجتماع طبقات گوناگون در کنار یکدیگر سبب جدایی گزینی طبقاتی و طبقاتی شدن شهر شد. البته این تحولات در سنخ اول آشکارتر بود. در سنخ دوم که کمتر در معرض مهاجرتیهای برون شهری و درون شهری قرار داشت، جدایی گزینی طبقاتی تا سالها بعد به وجود نیامد. حتی امروز هم در بعضی شهرهای کوچک چنین فرایندی تکرار نشده است.

جایی که بازار حرکت می کرد و در آنجا آرام می گرفت خیابان «شیک و مدرن شهر» محسوب می شد و مرکز سایر فعالیتها از جمله فعالیتهای فرهنگی، هنری و تفریحی می گشت. در تهران حرکت بازار به خیابانهای لاله زار و شاه آباد (جمهوری) نمود عینی این واقعیت بود.

۲ - پیدایش مفهوم شهر نوین در مقابل شهر سنتی دیگر تحول مهم این دوران بود. پیش از این تنها یک نوع شهر وجود داشت: شهر سنتی اما پیدایش خیابانهای عریض، محلات جدید و ساختمانهای نوین مفهوم شهر، شهرسازی و معماری جدید در مقابل نوع قدیمی آن را به وجود آورد. نتیجه این تحولات همراهی و همبستگی قالبهای فرهنگی با تغییرات کالبدی بود. نوع جدید نماد تمدنی نوین بود. این نماد آنچنان قدرتمند بود که گاهی از تمدن جدید با عنوان تمدن بولواری یاد می شد. قدرت این پیوند ذهنی سبب گردیده است که اکنون بعد

از نیم قرن همچنان عده‌ای پیشرفت شهر را مرادف با انهدام بافتهای قدیمی و ایجاد معابر عریض و ساختمانهای عظیم بدانند.

۳- این دوره، عصر پاره شدن رشته پیوسته‌ای است که معماری و شهرسازی سنتی را به حال پیوند می‌زد. نفوذ سبک بین‌المللی، بازگشت معماران ایرانی تحصیلکرده در خارج، سلطه جهانی سبک مدرنیسم در معماری به همراهی تحولات اجتماعی و اقتصادی دیگر سبب شد تا میراث معماری ایرانی به دوره بعد انتقال نیابد. اگرچه تبادل فرهنگی در همه عرصه‌ها از جمله معماری و شهرسازی عملی بس شایسته است اما آنچه در این دوران و مخصوصاً در دوره‌های بعد به وقوع پیوست تقلیدی بی دلیل بود نه انتخاب آگاهانه و به همین دلیل قادر به پاسخگویی به نیازهای انسانی جامعه ما نشد.

۴- اگر از تمامی معایبی که اصلاحات شهری در این دوره در برداشت صرف نظر کنیم، یک نکته را نمی‌توانیم فرو بگذاریم، اهمیت این نکته در آنست که ضربه‌ای سترگ به اندیشه و آرمان «مشارکت مردم در حکومت و توسعه» وارد آورد ضربه‌ای که هنوز اثرات آن بشدت پابرجاست؛ رضاخان برای نوسازی شهرها تنها یک راهبرد را می‌پسندید: سرکوب نهادهایی که نمایندگی مردم را برعهده دارند، استفاده از ارتش و توسل به زور، تهدید مخالفین و ارباب معترضین، تهیه برنامه، نقشه و طرح از بالا و اجرای آن به وسیله بیگاری گرفتن از مردم، نتیجه منطقی اتخاذ چنین روشی چیزی نبود جز توقف کلیه فعالیتهای شهرسازی بعد از رفتن دیکتاتور و در پس آن، سالها خمودی و رکود.

از آن هنگام تا کنون این نگرش که جز به مدد یک قدرت قاهر مرکزی- که در توسل به زور تردیدی از خود نشان نمی‌دهد- نمی‌توان به پیشرفتی نائل آمد، آنچنان بر اندیشه‌ها مستولی شده است که هر حرکتی که در عمل و نه در شعار متضمن مشارکت مردم در تمام مراحل توسعه باشد با بی‌اعتنایی و بدبینی مواجه و غیرعملی و نابخردانه پنداشته می‌شود.

منابع و مأخذ

- ۱- آریان پور، علیرضا- سبزار- کتاب شهرهای ایران- جلد ۲- جهاد دانشگاهی- تهران- ۱۳۶۶
- ۲- پیرنیا، کریم- سخنرانی در صدای جمهوری اسلامی ایران- پنجشنبه ۲۸ آذر ۱۳۷۰.
- ۳- توسلی، محمود- اصول و روشهای طراحی شهری- جلد اول- وزارت مسکن و شهرسازی- تهران- ۱۳۶۹.

- ۴ - حبیبی، سید محسن- جزوه درسی سیر تحول مجتمع های زیستی- گروه شهرسازی دانشکده هنرهای زیبا- تهران- بی تا.
- ۵ - حبیبی، سید محسن- دولت و توسعه تهران- مجله محیط شناسی- شماره ۱۵- ۱۳۷۰.
- ۶ - حسامیان و دیگران- شهرنشینی در ایران- نشر آگاه- تهران- ۱۳۶۳.
- ۷ - دایره جغرافیائی ارتش- راهنمای ایران- ستاد ارتش- تهران- ۱۳۳۰.
- ۸ - رشدالدین، سعیدیه- شهرسازی و طرح ریزی شهر در ایران- انتشارات اتحادیه شهرداریهای ایران- تهران- ۱۳۴۳.
- ۹ - رهنمایی، محمد تقی- روند مطالعات شهری- فصلنامه تحقیقات جغرافیائی- شماره ۱۱- ۱۳۶۷.
- ۱۰ - سعیدی رضوانی، عباس- جغرافیای شهر مشهد- مجله دانشکده ادبیات مشهد- شماره ۳ و ۲- ۱۳۴۴.
- ۱۱ - شجعی، زهرا- وزارت و وزیران در ایران- جلد اول- مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی- تهران- ۱۳۵۵.
- ۱۲ - کریمان، حسین- تهران در گذشته و حال- دانشگاه ملی ایران- تهران- ۱۳۵۵.
- ۱۳ - کاتوزیان، محمد علی- اقتصاد سیاسی ایران- جلد اول انتشارات پایپروس- تهران- ۱۳۶۶.
- ۱۴ - مکی، حسین- تاریخ بیست ساله ایران- جلد ششم- نشر ناشر- تهران- ۱۳۶۲.
- ۱۵ - معصومی اشکوری، سید حسین- بررسی و شناخت نمونه های موجود مراکز مسکونی وابسته به صنایع اصلی کشور- مجله معماری و شهرسازی- شماره ۱۳ و ۱۴- ۱۳۷۰.
- ۱۶ - مؤتمن، علی- راهنما یا تاریخ آستان قدس رضوی- آستان قدس- مشهد- ۱۳۴۸.
- ۱۷ - نراقی، حسن- تاریخ اجتماعی کاشان- شرکت انتشارات علمی و فرهنگی- تهران- ۱۳۶۵.
- ۱۸ - وزارت مسکن و شهرسازی- طرح جامع نوشهر و چالوس
- ۱۹ - وزارت مسکن و شهرسازی- طرح جامع شاهپور (سلماس)
- ۲۰ - وزارت مسکن و شهرسازی- طرح جامع مریوان
- ۲۱ - وزارت مسکن و شهرسازی- طرح جامع بندرانزلی
- ۲۲ - وزارت مسکن و شهرسازی- طرح جامع رشت
- ۲۳ - وزارت مسکن و شهرسازی- طرح جامع بابلسر
- ۲۴ - وزارت مسکن و شهرسازی- طرح توسعه و عمران قائم شهر
- ۲۵ - وزارت مسکن و شهرسازی- طرح توسعه و عمران همدان
- ۲۶ - هدایت، مهدیقلی- خاطرات و خطرات- انتشارات زوار- تهران- ۱۳۴۴.
- ۲۷ - مطالعات محلی آقای غلامرضا ثاقب حسین پور کارشناس جغرافیا در مورد شهر فریمان.
- ۲۸ - مطالعات محلی نگارنده در شهرهای رودسر، تهران و مشهد که با همکاری آقای دکتر عباس سعیدی، آقای ناصر درخشان رودسری و همسر خانم ماهرخ حسن زادگان انجام شده است.